



فضایل امیرالمؤمنین علی (ع)

و امیرالمؤمنین (ع) به وقت خلافتش خبر آوردند که خلق می گویند که چرا با قوم پیشین آن خلاف و منازعه نکرد که اکنون با معاویه می کند؟ بفرمود تا همه جمع آمدند و بر منبر شد و گفت: به من رسید که شما چنین و چنین گفته اید؛ بدانچه گفته بودند مقرر آمدند.

پس گفت: من در آن کار شش پیغمبر را پیروی کردم و بدیشان نگرستم و بر سنت ایشان رفتم.

اول، نوح (ع) که چون از دست قوم در ماند، گفت: «أَنْتِي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرُ»؛ یعنی قوم بر من غلبه کردند.

دوم، ابراهیم (ع) چون از دست قومش در ماند، گفت: «وَأَعْتَزْتُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛ یعنی از شما و آنچه می پرستید دور می شوم.

سوم، لوط (ع) چون قومش به سرایش اندر آمدند تا مهمانان وی را فاحشه کنند، گفت: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوِّى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»؛ یعنی اگر مرا قومی بودی یا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قال النبی اے اللہ المجدید شیخ الاسلام بن محمد بن حنیفہ آفرینا پروردگار من
خدا ابرائشما می بگوشتام آفرینا پروردگار من خدا ابرایچه شناست
آفرینا پروردگار من آفریده و ایضا کرده بعد از آنکه عالم پروردگار آفرینا
پروردگار من عالم چیست بگو که ما بسوی اللہ عالم گویند چون آسمان
و زمین و آفتاب و ماه تاب و غیره آفرینا پروردگار من که معناه فرمود
اللہ خدا ابرائشما و شما با او آمست بگو آنک دی سرچوید و آفرینا
و دینم و اذی و بائی و آبدی و سرمدی و قادر و عالم و حی
و متعین و یقین و مددگار و مرید و کاد و متکلم و عادل و کلیت
آفرینا پروردگار من که عنایت سلیمه که خدا ابرائشما و شما با او آمست
بگو آنک بگویم و جوهر و عرش نیست و مرتب و مشحون و محتاج
و در میان زدر جنت نیست و دین یون و منقول بروی من نیست
آفرینا

نسخه خطی رسائل فارسی جرجانی

قبیله و عشیرتی، با پناه ایشان شدمی و شما را از خود باز داشتمی.
چهارم، موسی (ع) که فرعون را و قومش را گفت که: «فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفَّتُكُمْ»؛ یعنی از شما گریختم، چون از شما بترسیدم.
پنجم، هارون (ع) که چون موسی (ع) وی را گفت که: چرا خاموش بودی تا قوم گوساله پرستیدند؟ گفت: «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي»؛ ایشان بر من خیره شدند و نزدیک بود که مرا بکشند.
ششم، مصطفی (ص) که چون قوم در شب به کشتن وی آمدند، مرا بر بستر خود بخوابانید و

و هر که گوید که حال پیغمبران نه چنین بود و ایشان در نماندند کافر شود، و ایشان را به دروغ زن داشته بود، و چون این پیغمبران راست گفتند و با وحی و تنزیل که ایشان را می آمد از دست قوم در ماندند، پس وصی پیغمبر - که بی وحی و تنزیل بود - اولیتر بود - از دست قوم در ماند و در خانه نشیند.

[رسائل فارسی جرجانی، ص ۹۵-۹۶]



رسائل فارسی جرجانی

(رسائل کلامی تألیف صد و هشتاد و نهم جرجانی)

ضیاء الزین بن سیدالزین جرجانی

تصحیح
دکتر مصور زور زور